

تبدیل شکست به پیروزی در 5 ثانیه



ایلان ماسک را می‌توان یکی از آن کسانی نامید که دنیای اطراف خود را تغییر داده‌اند. دنیای قبل از ماسک با دنیای پس از او، تا همین حالا که فقط 42 سال دارد، تفاوت‌های زیادی کرده است که بخش بزرگی از این تفاوت‌ها نتیجه تهور و شجاعت ماسک در واقعیت بخشیدن به رویاهای قدیمی است.

ایلان ماسک را می‌توان یکی از آن کسانی نامید که دنیای اطراف خود را تغییر داده‌اند. دنیای قبل از ماسک با دنیای پس از او، تا همین حالا که فقط 42 سال دارد، تفاوت‌های زیادی کرده است که بخش بزرگی از این تفاوت‌ها نتیجه تهور و شجاعت ماسک در واقعیت بخشیدن به رویاهای قدیمی است.

او که در آفریقای جنوبی به دنیا آمده زادگاهش را برای ایده هایش کوچک یافت، این بود که راهی کانادا، سرزمین مادری اش شد تا علم را آنجا بیاموزد و سرانجام برای کار و تکمیل تحصیلات به ایالات متحده نقل مکان کرد.

اولین تغییر در دنیا را با خلق ایده پرداخت اینترنتی Paypal به وجود آورد و وقتی این سامانه پرداخت دیجیتالی آنقدر جیب هایش را پرپول کرد که قابل شمردن نبود، میل قدم گذاشتن در دنیاهای جدید، قلبش را به تپش انداخت.

او با تاسیس نخستین کارخانه جدی دنیا در تولید خودروهای الکتریکی موسوم به تسلا، راه را به جهان نشان داد. آن روزها که تسلا به بازار عرضه شد خیلی ها ثانیه ها را می شمردند تا ورشکستگی ابرقدرت مالی دنیای اینترنت را جشن بگیرند؛ آرزویی که با تغییر رویکرد غول های صنعت خودروسازی بعد از توفان تسلا، به گور برده شد.

اما قدم گذاشتن ماسک به دنیای غول افکن سفرهای فضایی خیلی ها را مجاب کرد که این دیوانه آفریقایی حالا دیگر با پای خودش به ته خط رفته است. وقتی او از تاسیس نخستین شرکت ترابری فضایی سخن می گفت، خیلی ها لبخند تمسخر برلب داشتند، اما در کمال تعجب همگان، ماسک قراردادی 12 میلیارد دلاری با ناسا بست تا مهر تأییدی بر شهامت او در قدم گذاشتن در راهی باشد که حتی خیلی از دولت ها هم جرات کافی برای آغاز آن را ندارند. هرچند در این میان نباید از حمایت ها و رانت های درستی که به این مدیر موفق داده شد، چشم پوشید، اما بهترین پاسخ به این پرسش که ماسک چه دارد که به یک اسطوره تبدیل شده را باید نزد کسانی جست که با این انسان جسور همکاری کرده اند. در این میان دالی سینگ یکی از بهترین گزینه هاست. او که سابقه همکاری طولانی مدتی با ایلان ماسک را دارد در این یادداشت به ذکر مهم ترین خصیصه اخلاقی ماسک می پردازد که از نظر سینگ چرخ های صنایع مرتبط با ماسک را می چرخاند.

همه از من می پرسند که کار کردن با ایلان ماسک چه حال و هوایی دارد؟ خب راستش را بخواهید پس از پنج سال کارکردن با ایلان ماسک در شرکت اسپیس ایکس (شرکت تولیدکننده محصولات صنایع هوافضایی تجاری) به عنوان رئیس بخش استعدادیابی، پاسخ های بالقوه زیادی برای این پرسش وجود دارد. هر پاسخ من ممکن است رنگی از تجربیات شخصی ام را به خود گرفته باشد، بنابراین شاید روایت شخصی من یک روایت کاملا بی طرفانه نباشد.

گفته شده که شما نمی توانید خودتان را یک شخصیت رویایی تصور کنید، بلکه باید خودتان را با چکش کاری و تغییر به آنچه می خواهید نزدیک کنید. اگر هر رهبر و هر شرکتی این کار را انجام دهد و به این کار ادامه دهد به شرکتی مانند کمپانی اسپیس ایکس تبدیل می شود. سعی و تلاش برای بیان چگونگی کار کردن با ایلان در قالب کلمات شاید ممکن نباشد و من باید برخی خاطرات خاص و خصوصا خاطره یک روز کاری سخت و حماسه پس از آن را برای شما نقل کنم.

دوم آگوست 2008، حدود هشت ماه پس از پیوستن من به اسپیس ایکس، شرکت سومین پرتاب موشک فالکن 1 را به فضا انجام داد. فالکن 1 اساسا برای بردن محموله به مدار زمین طراحی شده بود. فالکن 1 سلف (جد) فالکن 9 است که امروزه اسپیس ایکس از آن استفاده می کند. این یک لحظه تعیین کننده برای اسپیس ایکس محسوب می شد. ایلان چند سال قبل به مطبوعات گفته بود صد میلیون دلار سرمایه گذاری شخصی او در شرکت برای انجام سه پرتاب آزمایشی در اختیار کارکنان قرار گرفته و اگر در پرتاب سوم فالکن موفق نمی شدیم او مجبور بود به شکست بزرگی اعتراف کند.

علاوه بر فشار ناشی از این روایت در مطبوعات، لابی ها و تبلیغات گسترده رقبای ما که جزو بزرگ ترین و قدرتمند ترین پیمانکاران دفاعی جهان محسوب می شدند به منظور حفاظت از منافع چند میلیارد دلاری خود در بازار کار فضایی، تلاش زیادی برای تضعیف و خدشه دار کردن اعتبار اسپیس ایکس انجام می دادند و سعی می کردند تصویری از ما به عنوان گروهی مخاطره آمیز و بی تجربه در اذهان ایجاد کنند.

اسپیس ایکس، تصویر کامل پرواز مرحله اول را به نمایش گذاشت. بخشی از پرواز که وسیله نقلیه دور از گرانش زمین و جایی که موشک بیشترین فشار دینامیکی را تجربه می کرد یا اساساً جایی که شرایط فیزیکی روی موشک به سخت ترین حالت می رسید. با این حال مدت کوتاهی پس از اولین مرحله پرواز بلافاصله مرحله جدا سازی (زمانی که مرحله اول انجام و بخشی از راکت از آن جدا شده و در مرحله دوم موشک سفر خود را به فضا ادامه می دهد) انجام شد. در این لحظه ما موشک و در واقع ماموریت را از دست دادیم.

تام مولر، مسئول بخش پیشرانس اسپیس ایکس که پدرخوانده علم موشکی مدرن امروزی و یکی از درخشان ترین ذهن های علمی این سیاره است همراه تیمش باز طراحی سیستم های موتوری راکت را به گونه ای انجام داده بودند که حتی قدرتمند تر و کارآمد تر از آنچه پیش بینی شده بود از کار درآمد. ما موتور مرحله اول را خاموش کرده و پس از آن به مرحله جداسازی اقدام کردیم. در این مرحله کمی از نیروی باقیمانده موتور در مرحله اول (درست زمانی که ما سعی در جداسازی بخش اول از راکت را داشتیم) ضربه ای به مرحله دوم وارد کرد و این یک تجربه ویرانگر بود. ما حدود 350 کارمند و شاید هم بیشتر در کنار یکدیگر ایستاده بودیم و راکتمان را تشویق می کردیم. زمان بلند شدن و هنگامی که زمان سنج ماموریت آغاز مرحله دوم را نشان می داد و ما می دانستیم کم کم مرحله جداسازی آغاز می شود فیلم ویدئویی قطع شد. پس از تاخیر 20 ثانیه ای در ارسال تصاویر ویدئویی از سوی تیم کنترل ماموریت که ما برای خوراک خبری پیش بینی کرده بودیم محرز شد که یک اشتباه بزرگ رخ داده است.

ایلان و چند نفر از متخصصان ارشد اسپیس ایکس ماموریت را از داخل یک کانکس در انتهای کارگاه هاوسورن فرماندهی می کردند. همه ما نگران از این که تا چند لحظه دیگر در کانکس با شدت تمام باز شده و ایلان بد و بیراه نثارمان کند مات و مبهوت به یکدیگر زل زده بودیم. فضای ساختمان مملو از یاس و ناامیدی شده بود. در ذهنتان تصور کنید که در این لحظه اسپیس ایکس شش ساله شده بود و بسیاری از افراد بین 70 تا 80 ساعت در هفته و برخی بیشتر کار می کردند. تلاش ها در طول این مدت شبیه به شنا کردن در برابر جریان های مخالفی مانند موانع تکنولوژیک، موسسات رقیب، سیاست ها، امور مالی و صرف نیروی خالصانه و تلاش های بی دریغ بود.

همه این مشکلات باعث فرسایش جسمی و روحی شده و واقعا برای تقویت اراده و پر کردن شبیه ای معنوی به موفقیتی نیاز بود تا کارکنان ایمان و اعتقاد خود را به ایلان از دست ندهند و او را در برابر تمام خیانت هایی که برای از بین بردن امید و تخلیه اراده افراد برنامه ریزی شده بود، یاری کنند تا او بر این کوه مشکلات فائق آید. آن شب می توانست نقشی ابدی در آینده شرکت داشته باشد و به طور بالقوه شرکت را به سمت سقوط سوق دهد و ممکن بود ما هرگز قادر به جبران این شکست نشویم.

شکست در رهبری تیم نه تنها از چشم مطبوعات و مشتریان ما پنهان نمی ماند، بلکه ممکن بود باعث فروپاشی تیم از درون بشود. ایلان از کانکس بیرون و به سمت ما آمد. اگرچه دقیقاً کلماتی را که به زبان آورد به خاطر ندارم، اما مفهوم آن این بود: ما می دانستیم که این کار سختی است و در پس تمام علوم و آزمایش های موشکی چنین اتفاقاتی محتمل است. سپس او فهرستی از کشورهای مختلف را که حتی در مرحله اول پرتاب و رساندن راکت به خارج از جو موفق نبوده اند برشمرد و گفت ما امروز یک شاهکار را با موفقیت به انجام رساندیم.

ایلان با عقل و درایت بی نهایتش و سرمایه گذاری قابل توجه در شرکت دراپر فیشر جوروتسون خود را برای پیامدهای احتمالی آماده و با منابع مالی کافی تلاش برای دومین پرتاب را آغاز کرد و به گروه اطمینان داد که با این سرمایه گذاری امنیت حداقل انجام پنج پرواز تامین می شود.

او گفت که باید خودمان را جمع و جور کنیم و غبار ناامیدی را از خود بزداییم، چرا که کارهای زیادی برای انجام دادن داریم. سپس گفت من با شکیبایی بسیار و اراده قوی می توانم 20 ساعت در روز بیدار مانده و کار کنم. من به سهم خود هرگز تسلیم نمی شوم و اگر شما با من همراه باشید ما پیروز خواهیم شد. من فکر می کنم بسیاری از ما با همکاریمان او را به دروازه های جهنم هدایت می کردیم.

این صحنه و صحبت های ایلان ماسک برانگیزاننده ترین نمایش یک رهبر بود و در یک لحظه انرژی و فضای ساختمان از حالت یاس و ناامیدی به سمت یک اراده جمعی تبدیل شد و کارکنان به جای نگاه به گذشته تمام تمرکزشان را روی آینده معطوف کردند. این تغییر در میان تمام 300 نفر و در عرض کمتر از 5 ثانیه اتفاق افتاد. خیلی دوست داشتم فیلمی از این تغییر 5 ثانیه ای به منظور تجزیه و تحلیل تغییراتی که در زبان بدن افراد رخ داد، داشته باشم. این 5 ثانیه یک تجربه قدرتمند و باور نکردنی بود. آنچه در روزها و هفته های بعد از آن شب اتفاق افتاد بیشتر شبیه یک معجزه بود.

در عرض کمتر از چند ساعت تیم اسپیس ایکس دلیل احتمالی شکست آزمایش را کشف کردند. معمولاً در شغل ما چرخش از حالت شکست و تحقیق برای یافتن علل شکست از یک هفته تا چند ماه زمانبر است. تیم از طریق جستجو در تک تک داده ها می خواست

مطمئن شود که ما دقیقاً موفق به درک صحیح مشکل با بیشترین سرعت ممکن شده ایم یا خیر.

ششم آگوست ما نتایج تحقیق را اعلام و حقیقت را به طور کاملاً شفاف به حامیان و مشتریان خود اعلام کردیم تا مطمئن شوند ما در این زمان دشوار می‌توانیم اعتماد آنها به خودمان را حفظ کنیم.

هفت هفته پس از اتفاق اول ما راکت دیگری را به طور کامل ساخته و دوباره در محل آماده پرتاب کردیم. هیچ کس نمی‌تواند این کار را با در اختیار داشتن منابع مالی و پرسنل نامحدود در کمتر از شش ماه انجام دهد، اما اسپیس ایکس این کار را با حدود 400 پرسنل و منابع مالی محدود در کمتر از هفت هفته به انجام رساند.

شرکت، بیست و هشتم سپتامبر 2008 موفق شد فالکن 1 را از منطقه آب سنگ حلقوی کواجالین واقع در جنوب اقیانوس آرام با موفقیت صددرصدی پرتاب کند. این راکت به اولین نمونه تولید شده در کلاس خود توسط بخش خصوصی برای رسیدن به مدار زمین تبدیل شد؛ یک دستاورد حماسی و حرکتی که پیش از این فقط توسط شش دولت از مقتدرترین کشورها در تاریخ جهان انجام شده بود.

این پیروزی سزاوارانه برای کل تیم اسپیس ایکس بسیار ضروری بود و امیدواریم که به نوبه خود در آینده بشریت نقش مهمی ایفا کند. بنابراین برای کسانی که از من در مورد ایلان ماسک پرسند این نمایی از شخصیت واقعی اوست. او در برابر همه اتفاقات مصمم است و هرگز از شکست هراسی ندارد و در میدان نبرد فناوری‌های نوینی قدم می‌گذارد که چالش‌های سرمایه‌ای شدیدی دارد و هر کسی قادر به رویایی با آن نیست و به هر نحوی شده از این نبرد زنده بیرون می‌آید.

کار کردن با او تجربه آسانی نیست. او هرگز از کار خودش راضی نمی‌شود و بالطبع از کار هیچ کس که در اطرافش هست چرا که می‌اندیشد باید هر روز بیشتر و بیشتر کار کرد. او هر روز خودش را هل می‌دهد و همچنین آدم‌های اطراف خودش را به همین شکل به سمت پیشرفت سوق می‌دهد.

چالش اینجاست که او یک ماشین است و بقیه ما این گونه نیستیم، اما در این ناراحتی و فشار کار با او، نوعی رشد نهفته است که ارزش آن به اندازه تک تک قطرات خون و عرق ریختن شماست. رشدی که در هیچ جای دیگر وجود نداشته و یافت نمی‌شود.

quora / مترجم: آتنا حسن آبادی